

آینه

جمهوری اسلامی

شرق یا غرب؟

● **مسبح مهاجرى:** پاسخ این سؤال ویژه که رابطه شرق بهتر است یا غرب؟ این است که در هر زمانی تأمین منافع ملی، حفاظت از استقلال و امکان جلوگیری از سلطه طرف مقابل است که چگونگی رابطه با بیگانگان اعم از شرقی و غربی را مشخص می‌کند. واقعیت این است که شرق و غرب هر دو سبوابق منفی زیادی در روابطشان با ایران دارند. در میان دولت‌های شرقی و غربی، روسیه و آمریکا رکورددار بی‌اعتمادی و خیانت به ایران هستند به‌طوری‌که در حمایت از رژیم شاه در کوران انقلاب اسلامی و در دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی این هـر دو قدرت بیگانه، از صدام حمایت کردند و با هرچه در توان داشتند علیه جمهوری اسلامی ایران به‌صحنه آمدند. بنابراین نگاه ما به شرق و غرب در سیاست خارجی نباید متغیّر کردن هیچ‌یک از آنها باشد. ما باید حفاظت از منافع ملی را در روابط با شرق و غرب، محور قرار دهیم و با تکیه بر اقتدار ملی و معیار قراردادن اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، روابط کشور با شرق و غرب را تنظیم کنیم.

اعتراض

خبردرست‌درزمان‌درست

● **سیامک زند رضوی:** آنچه این روزها در حوزه خبرهای رسمی و غیررسمی و واکنش‌های عمومی به آنها در کشور می‌گذرد را به نوعی می‌توان بازگشت به حال و هوای سال ۵۶ و ۵۷ دانست. در آن زمان مجموعه حاکمیت مطلقاً نسبت به شهروندانش پاسخگو نبود... یکی از بارزترین نمونه خبرهایی که در دوره پیش از انقلاب و اتفاقا در خوزستان رخ داد و در میان مردم پررنگ شد، ماجرای سینما رکس آبادان بود. مردم به اتفاق به این نتیجه رسیدند که مأموران حکومت درهای سینما را قفل کردند و آنجا را به آتش کشیدند... حالا به امروز برگردیم تا به این نتیجه برسیم: زمانی که پاسخ‌گویی در دستگاه‌های مختلف کشور پایین می‌آید، ارتباطات شهروندی تنها مرجع مردم می‌شود و همین موضوع می‌تواند به عملی برای جابه‌جاشدن و انتشار اخبار نادرست شود.

کیم‌تان

کشایش‌دراین‌تنگه‌است!

● **حسین شریعتمداری:**...هفت سال قبل- آذرماه ۱۳۹۰ - درحالی‌که کنگره آمریکا قانون تحریم نفتی کشورمان را در دستور کار داشت، طی یادداشتی آورده بودیم‌که در صورت تحریم صدور نفت ایران بهترین و مؤثرترین راه مقابله با آن، بستن تنگه هرمز به روی نفتکش‌هایی است که از ایسن آبراهه عبور می‌کنند... اگرچه تلخ و ناگوار است ولی باید اذعان کرد تصویری که دولت‌های یازدهم - و دوازدهم- از جایگاه ایران اسلامی در عرصه بین‌المللی ارائه کرده است با آنچه از نظام جمهوری اسلامی انتظار می‌رود، نه فقط همخوانی نداشته است بلکه در بسیاری از موارد با وادادگی و انفعال در برابر قدرت‌های خارجی و نادیده‌گرفتن عزت و اقتدار ایران و ایرانی نیز همراه بوده است... خوشبختانه اخیرا رئیس‌جمهور محترم در مقابل زورگویی‌های آمریکا و متحدانش مواضع عزتمندانه‌ای اتخاذ کرده است که اگر با وسوسه‌های خناسان و برخی از آلودگان به وطن‌فروشی در فتنه ۸۸ روبه‌رو نشود -که ان‌شاءالله نشود- می‌تواند نامعادله کنونی را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد... در صورت بستن تنگه هرمز، آمریکا و اروپا برخلاف آنچه ادعا می‌کنند توان مقابله به این اقدام قانونی و حرکت انقلابی ما را ندارند.

پوپولیس‌م‌دامتگیر بعضی ازروحانیون

● **کبری آسوپار:** بی‌راه نیست اگر مدعی شویم امروز روحانیتی که می‌کوشد مطابق سلیقه عرف مدنظر خود پیش رود، خطرش برای اسلام کمتر از تلاش‌های دین‌باوران برای ردن بنیان دین نیست. این‌چهره‌ها اسلام را رد نمی‌کنند، بلکه اسلام واقعی را آنچه خود می‌دانند، معرفی می‌کنند... در هفته [جامعه]... درگیر بخش اعترافات دختری رقا‌ص از صداوسیم‌ا بود. برنامه‌ای که اگر در فضای مجازی هیاهو نمی‌شد، چندان دیده نمی‌شد... حجت‌الاسلام محمدرضا زائرئ مثل خیلی اوقات دیگر، صدای بلند ایسن جدل بود... او اولویت را در برخورد با مفسدان اقتصادی دانست و نوشت که «قرن‌ها مردم رقصیدن و برهنه شدند و رفتند و آمدند، اما دین آسیبی ندید... آنچه دین و ایمان را متلاشی و نظام را نابود می‌کند لرش کمز دختری نوجوان نیست؛ لغزش قلم قاضی کهنسال است!» که می‌شد گفت: با این حساب، قرن‌ها هم مفسدانی سال مردم را خوردند و دین آسیبی ندید! در جایی دیگر می‌گوید «اگر دینی نگوید عرق‌خو ر باید بدید شلاق زد، ولی غارتگر اموال مردم را باید رها کرد، من اخوند هم زیر بار آن دین نمی‌روم». حرف‌های زائرئ مثل همیشه با مغالطه همراه بود. در دین نداریم‌که تا وقتی تمام و کمال به احکام اقتصادی اسلام عمل نشده، احکام فرهنگی تعطیل باشد... خطر این تفسیرها برای دین یقیناً از اشاعه فحشای آن دختر کمتر نخواهد بود. تفسیر دین مطابق سلیقه عوام خود نوعی پوپولیسم است که دامنگیر برخی روحانیون شده است.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

عباسعلی کدخدایی:

اگر مذاکره با آمریکا خلاف وضعیت حاکم کشور باشد، شورای نگهبان ورود می‌کند

رهبری در دیدار با نمایندگان درباره «افای‌تی‌اف» نظراتی بیان کردند؛ آیا نظرات ایشان درباره چهار لایحه‌ای که در این رابطه مطرح است، تأثیرگذار خواهد بود، یادآور شد: نظر رهبری برای همه دستگاه‌ها صائب و حاکم است و این مانع از این نمی‌شود که دستگاه‌ها وظیفه خودشان را انجام ندهند. کدخدایی درباره اینکه یکی از نمایندگان مجلس گفته است در زمان تحقیق و تفحص از شهرداری تعدادی از نمایندگان پول گرفته‌اند که از تحقیق و تفحص منصرف شوند و آیا این موضوع در تأیید صلاحیت آنها مؤثر خواهد بود، عنوان کرد: قطعاً تخلفات احتمالی که ممکن است نمایندگان داشته باشند، در مرحله بعدی مدنظر شورای نگهبان قرار می‌گیرد. او در پاسخ به این سؤال که همه‌هایی به شورای نگهبان در بحث رد صلاحیت‌ها همواره وارد می‌شود، آیا شورای نگهبان دفاعی از خود در این زمینه دارد، گفت: ما همواره مورد همه هستیم، هر جایی که دستگاهی وظیفه‌اش را به‌درستی انجام می‌دهد، از طرف دشمن مورد همه است، قطعاً شما به‌عنوان

رسانه باید ورود پیدا کنید و از ما دفاع کنید. کدخدایی در پاسخ به این سؤال که در مصاحبه‌ای گفتید اگر قرار است مذاکره‌ای با آمریکا انجام شود و خلاف وضعیت حاکم کشور باشد، شورای نگهبان ورود پیدا می‌کند، اظهار کرد: این سؤال بنده نبوده، بلکه سؤال خبرنگار بود و بنده پاسخ دادم اگر این‌گونه باشد بله، شورای نگهبان ورود پیدا می‌کند. سخنگوی شورای نگهبان اضافه کرد: در واقع هرگونه فعالیت افرادی که مورد نگاه انتخابتی برای ادوار آینده هستند، قطعاً طبق قانون مورد رصد شورای نگهبان است. کدخدایی همچنین درباره مصوبات اخیر شورای نگهبان تصریح کرد: در جلسه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۶ لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پارامو) مورد بحث و بررسی قرار گرفت و قضائی‌بودن لایحه، این لایحه باید از سوی قوه قضائیه تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شد، بنابراین مصوبه مغایر بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی و نظریه تفسیری مورخ ۳۰ مهر ۱۳۷۹ شورای نگهبان است.

آیت‌الله جنتی درباره رد صلاحیت‌ها:

در شورا ۱۲ نفر هستند و من یک‌دوازدهم هستم



نشسته بود:» عده‌ای دین و اخلاق خود را فدای سیاست می‌کنند. اینها باید فردای قیامت جواب خدا را بدهند. ما به عراق رفته بودیم. وقتی خواستیم برای فرودگاه بیرون بیاییم به پایوون رفتیم. آن صندلی آنجا بود و من روی آن نشستم. اگر این جرم است؛ بله من این جرم را مرتکب شدم که نرفتم آنجا روی زمین بنشینم. ● درباره شوخی‌هایی که راجع‌به طول عمر من می‌شود، من از ایسن ناراحتم که جنبه سیاسی دارد؛ یعنی آن کسانی که این کار را شروع کردند چون خط و راهشان از ما جدا است، به هرکاری دست می‌زنند و به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند. من از شوخی و مزاح خوشم می‌آید و به‌دنبال مزاح‌های معقول هستم، یک‌بار با یکی از مراجع که نمی‌خواهم نام او را ببرم، نشسته بودیم، او تعریف می‌کرد که «یکی به یک نفر دیگر گفت اگر بروی روی طاقچه بنشینی من با

رهبری جلد دوم امام است. اگر این نشد، مسئله فتنه ۸۸ می‌شود. ● تلخ‌ترین خاطره در شورای نگهبان فتنه بود و از آن گذشته مسائلی از قبیل اینها که الان هست مانند گرانی. من خیلی غصه بی‌کاری و گرانی را می‌خورم. من گاهی فکر می‌کنم یک جوان بی‌کار که زن و بچه هم دارد، صبح به چه امیدی می‌خواهد بیدار شود. وضع خوب نیست، اما این وضع با افراد کارشناس و انقلابی قابل‌اصلاح و ترمیم است.

● «فرق بین مسئولان دهه ۶۰ و ۹۰»: بی‌تفاوت نبوده است، خیلی‌ها گذشته‌تها را یادشان رفته است. عمل جلب اعتماد می‌کنند. حرف فایده ندارد. بعضی‌ها خیلی حرف می‌زنند و در حرف‌زدن نمره ۲۰ آنها است. اما در عمل نمره خیلی‌ها بالاتر از صفر نیست. ● درباره رد صلاحیت‌های شورای نگهبان: اینها می‌خواهند کاسه و کوزه‌ها را سر من بشکنند. در شورا ۱۲ نفر هستند و من یک‌دوازدهم هستم. اما چون می‌خواهند با من تسویه‌حسابی کرده باشند، همه را به حساب من می‌گذارند. درباره تأیید یا رد صلاحیت‌ها خیلی‌وقت‌ها من با دوستان حرفم شده است.

● آقای کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) را دوست دارم، افکار من و ایشان به هم نزدیک است، مثل من و مرحوم آیت‌الله خزعلی که با هم هم‌فکر بودیم. ● در جناح اصلاح‌طلب دوستان کمی دارم، اسم آنها را نمی‌توانم بیاورم.

● جدام جهانی فوتبال را دنبال نکردم. ما فقط در زندان آن آقای ربانی‌شیرازی و آقای آذری‌قمی و آقای علی‌اصغر مروراید و... بعدازظهرها فوتبال بازی می‌کردیم.

● اخبار را هر چه برسم مرتب می‌بینم. یکی اخبار شبکه یک، گاهی شبکه شش و گاهی هم شبکه دو. اخبار ۲۰:۳۰ را هم می‌بینم و علاقه‌ام به آن نسبتاً خوب است و معقول‌تر و مطلوب‌تر است و ارزش دیدن دارد.

از ردصلاحیت در انتخابات مجلس، با شخص آیت‌الله جنتی یا سایر اعضای شورای نگهبان درباره علل ردصلاحیت خود به صورت رودررو صحبت کرده‌اید؟ و اگر صحبتی شده، نتیجه چه بوده است؟ آیا دلایلی منطقی برای کارشان مطرح کردند یا شما باز قانع نشدید؟» او هم این‌گونه پاسخ داد: «در انتخابات مجلس نهم از طرف هیئت اجرائی و در انتخابات مجلس دهم از طرف هیئت نظارت ردصلاحیت شدم، ولی در هیچ‌کدام غیر از اعتراض رسمی و قانونی کوچک‌ترین اقدامی نکردم؛ نه پیغامی دادم و نه تلفنی زدم و نه از علت ردصلاحیت سؤال کردم. می‌دانستم این ردصلاحیت ناشی از برداشت غلط آنها از مقوله حفظ نظام و آزادی بیان است، ولی دوباره خودشان تأیید صلاحیت کردند. شاید به دلیل فشار افکار عمومی».

مطهری در پاسخ به پرسشی درباره اینکه «آیا در موضوع خانم خالقی رودرو با آیت‌الله جنتی یا سایر اعضای شورای نگهبان صحبتی داشته‌اید یا پاسخی به مطالب و نامگذاری‌های شما داده‌اند؟ اگر جواب مثبت است آیا از توضیحات قانع شدید یا نه؟» گفت: «با برخی اعضای حقوق‌دان آن صحبت داشتم. همه آنها مخالف کار شورا و در واقع کار آقای جنتی بودند. وقتی هم که مجلس استفساریه را درباره این موضوع تصویب کرد، شورا ایرادهای موهوم می‌گرفت تا حتی‌المقدور به تأخیر بیفتد و موضوع منتفی شود و خانم خالقی نتواند وارد مجلس شود؛ به‌طوری‌که مصوبه چندبار لندن ۱۲۰ سال و از متروی پاریس بیش از یک قرن می‌گذرد؛ تجهیزات امروزی را هم نداشتند. اگر نمی‌توانستید ترمیم کنید، چرا تعطیل کردید؟ مترو را در همین وضع که کار می‌کرد، دوباره راه‌اندازی کنید و هزاران میلیارد هزینه را راکد نگذارید. هزاران میلیارد تومان ثروت کشور هزینه شده است؛ اما یک سبیل اطلاع‌رسانی مرتب و مسئول ندانند که هر روز پاسخ‌گوی هزاران مراجع‌کننده باشد و اخبار پیشرفت کار و دلایل تعطیل و کندی آن را به آگاهی مردم که صاحب کار هستند، برساند. من اگر یک بار دیگر آن آقای سباه‌پوش «ان‌شاءالله» را ببینم، با عصایم پاسخش را می‌دهم.

ادامه از صفحه اول

رستگاری شهزاد

شهزاد قصه‌گو با این امید به کاخ پادشاه قدم می‌گذارد که بتواند تغییری ایجاد کند. شهزاد سعادت درمی‌یابد که شهزاد قصه‌گو معرف دختری بوده که به‌غایت خردمند و اهل نزاکت بوده است. شاید آشنایی شهزاد سعادت با پیشینه اسم خود موجب شده باشد که او مسیر زندگی خود را انتخاب کند. طی آشنایی با ادبیات کهن، شهزاد با بسیاری از مفاهیم انسانی مانوس شده و ارزش‌های زندگی او شکل گرفته یا مستحکم‌تر می‌شود. قطب‌نمای او در زندگی همواره سمت درستکاری را به او نشان می‌دهد. داشتن صفت‌های اخلاقی عالی آن‌هم در جامعه آن روز که آمار بی‌سوادی بسیار بالا بوده است، عشق به فرهاد دماوندی در علت اینکه او را رسمیل شعر و ادبیات می‌داند، نجات‌دادن جان فرهاد با تن‌دادن به ازدواج با قباد، در کنار خانواده ماندن و حس مادی بی‌چون‌وچرایش در رابطه با فرزندش همگی مایزاهایی دارند که پیش‌تر به درک عمیق از پیشینه اسمی خود، آنها را نصب‌العین خود قرار می‌دهد. او به‌واسطه آشنایی با سرگذشت شهزاد قصه‌گو و نقش‌کی در زندگی شهزبار آسیب‌دیده داشته است، این باور ذهنی را کشف می‌کند که همواره در سخت‌ترین شرایط زندگی، کورسویی از امید وجود دارد.همین ذهنیت موجب می‌شود که او علاوه بر پایداری بر ارزش‌های خود، بدون اینکه نقش آموزگار را بر عهده بگیرد، زمینه‌های تغییر را در دیگران فراهم کند. شهزاد سعادت هیچ‌گاه پایبندی خود را به ارزش‌های انسانی، به دیگران تحمیل نمی‌کرد، شعرا نمی‌داد، ارجاع به خود نمی‌کرد؛ بلکه فقط و فقط تلاش می‌کرد براساس ارزش‌هایی که به درستی آنها ایمان داشت، زندگی کند. سرنوشت شرایطی را برای او رقم زد که به‌راحتی، واکنش‌ها و رفتارهای خودتخریبی اعم از افسردگی و خودکشی را در او توجیه می‌کرد، ولی از آنجا که مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده رفتار افراد در موقعیت‌های دشوار، ارزش‌های مستحکم آنهاست، شهزاد تصمیم‌هایی‌گرفت که کاملاً اخلاقی بودند؛ چراکه تصمیم‌های اخذشده براساس ارزش‌های انسانی، قطعاً تصمیم‌های اخلاقی خواهند بود. شهزرداری که برخلاف سلف خود، بالاچار به قلمرو دیوان‌سالاران وارد شده بود، توانست علاوه‌بر اینکه «امید» را به آن عمارت وارد کند، به قباد کمک کند که معنای عشق را دریابد. این‌گونه بود که او زمینه تغییر اساسی را در میراث‌دار «بزرگ‌آقا»بی‌ایجاد کرد که مبتنی بر زدوبند، رانت، رشوه و ایجاد رعب و وحشت، قلمرو وسیعی را به جنگ آورده بود. او در فرازوتشپ‌های متعددی قیاد را باری داد به این ذهنیت برسد که اگر مصمم است با عشق، بر حس تفرق‌ناشی از گذشته سراسر ناخوشایند قافق آید، هیچ راهی به‌جز آزادکردن عشق خود از حبس ندارد و درنهایت قیاد دیوان‌سالار، عزم جزم می‌کند که با رهاکردن شهزاد سعادت، خود را فدای «امید» کند؛ «امیدی» که درنهایت، رستگاری او را به ارمغان آورد.

با عصا پاسخ آن مدیر را می‌دهم

اگر و مگر ادامه یافت تا خوشبختانه مطل‌حشدن نامزدی قالیباف برای ریاست‌جمهوری به کارها سرعت بخشید. پس از بارها تأخیر سرانجام ساختمان آجر قرمزئ تک‌خروجی ایستگاه هفت مترو ساخته شد؛ اما نتوانستند آن را به‌موقع به افتتاح قبل از انتخابات برسانند. سرانجام با چند روز تأخیر و انجام تست سرد و گرم، خط مترو با چهار، پنج ایستگاه با حرکت نیم‌ساعت به نیم‌ساعت افتتاح و قرار شد تکمیل کارها به‌تدریج انجام شود. یکی، دو سفر هم با این داشتم. با روی‌کارآمدن شهزاد جدید، اعلام شد خط ناقصی دارد و در آبان ۱۳۹۶ تعطیل شد. دو روز قبل در گردش روزانه‌ام که نویدبانه سری هم به کارگاه تعطیل مترو می‌زنم، دیدم آقای جوان و برومند و بلندقد و سبتر، رو به میانسانی با کت‌وشلوار مشکی، با سر بالاگرفته به هشت نفر ملترزمان از بازیدی ایستگاه تعطیل صنعت، رو به کارگاه تعطیل شمالی می‌آمد. صبر کردم، وقتی مقابل من قرار گرفت، بدون مقدمه با لحنی جدی و بلند تقتم: «بالاخره راه خواهد افتاد؟». ایشان پاسخ داد: «ان‌شاءالله!». گفتم: «تا سال آینده؟». یکی از همراهانش گفت: «تا پایان شهریور»، ۳۵ سال پیش را به یاد آوردم که در کارگاه میدان امام که مرکز آغاز کار مترو بود، به تقاضای مترو، در لایه‌های اتصال المنت‌های بتنی با دیواره آنزکسیون سیمان انجام می‌دادیم و منتظر بودیم چهار، پنج سال بعد کار پنج خط اصلی به پایان برسد. نمی‌دانم چند هزار میلیارد در این سال‌ها هزینه شده است تا تونل و خطی آماده شود و به غفلت بی‌استفاده بماند؛ اما می‌دانم راه‌اندازی دوباره بدون اراده و احساس مسئولیت، به شهزپرو امسال هم نخواهد رسید. از متروی تهران ۱۲۰ سال و از متروی پاریس بیش از یک قرن می‌گذرد؛ تجهیزات امروزی را هم نداشتند. اگر نمی‌توانستید ترمیم کنید، چرا تعطیل کردید؟ مترو را در همین وضع که کار می‌کرد، دوباره راه‌اندازی کنید و هزاران میلیارد هزینه را راکد نگذارید. هزاران میلیارد تومان ثروت کشور هزینه شده است؛ اما یک سبیل اطلاع‌رسانی مرتب و مسئول ندانند که هر روز پاسخ‌گوی هزاران مراجع‌کننده باشد و اخبار پیشرفت کار و دلایل تعطیل و کندی آن را به آگاهی مردم که صاحب کار هستند، برساند. من اگر یک بار دیگر آن آقای سباه‌پوش «ان‌شاءالله» را ببینم، با عصایم پاسخش را می‌دهم.